



به مناسبت آغاز فصل تابستان

گیاهان در ابتدای رویش خود طاقت آفتاب را ندارند و چون در نهایت لطافتند آفتاب مستقیم آنها را میسوزاند، لذا خداوند حکیم فصل بهار را بر تابستان مقدم داشت و با بخار نمودن رطوبات زمین، ابرها را تشکیل داد تا هم مانعی برای تابش آفتاب باشند هم با باریدن باران توسط ابر، شیری به طفل گیاهان داده باشد. و به تدریج است که حرارت را زیاد میکند و رطوبات گیاه و احتیاجشان به رطوبت کم میشود، تا اینکه تابستان فرا میرسد و آفتاب باعث نزع گیاهان شده و با پختن آنها، هدف حاصل شده و ثمرات آن قابل استفاده خواهد شد.

حال که تدبیر خدای حکیم را برای فصل بهار و تابستان دانستید، عرض میکنم که برای طفل عالم نیز وجود پیامبر (ص) مانند بهاری بود که پس از زمستان جاهلیت پدیدار شد. اما رطوبات عالم که ناشی از ذوب جمود زمستان بود زیاد بوده و عالم طاقت تحمل خورشید ولایت را نداشت و مردم طاقت احکام و فرمایشات آن حضرت را نداشتند.

لذا اندکی آفتاب آن حضرت بر زمین دلها تابید و رطوبات امیال و معاصی و کینه ها از زمین بلند شد، و با شهادت رسول اکرم (ص)، منافقین و غاصبین خلافت مانند ابرهایی شدند که با آفتاب ولایت عداوت داشته و حق او را پوشانیدند، و آن آفتاب صلاح عالم را بر سکوت دید و از پس آن ابرها بتدریج عالم را نزع داد، و همانطور که امام زمان عج در کیفیت انتفاع خلق از ایشان فرمودند: مانند انتفاع از خورشید است، زمانی که ابر آن را از دیدگان پنهان می کند، چرا که اگر در همان اول حضرت امیر علیه السلام بر مسند خلافت قرار می گرفت مردم نمی توانستند حتی چند روز با آن بزرگوار بسر ببرند و تاب نمی آوردند.

خلاصه خلفای غاصب یکی پس از دیگری روی هم آمدند، طوری که خداوند میفرماید **أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ** ﴿۴﴾ **ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكِدْ يَرَاهَا** و چنان ظلمتی عالم را فرا گرفت که معاویه حکم کرده بود که هر کس اسمش علی است یا حسن است یا حسین است او را بکشند و بر امیرالمؤمنین علیه السلام در رئوس منابر ناسزا میگفتند.

باری، سحاب ظلمات معاویه همین‌طور عالم را تاریک کرد که دیگر چشم جایی را نمی‌دید. تا اینکه از زمان حضرت باقر و حضرت صادق علیهما السلام ابر اندکی نازک شد و وضوحی پیدا کرد و خورده خورده راهی از چاهی می‌شد تمیز داد، و با وجود هر یک از ائمه علیهم السلام نور بیشتری از آن آفتاب تابید تا زمان غیبت که طفل عالم از شیر گرفته شد و به دست لاله گان و دده گان سپرده شد و به دست ایشان علوم فقهی و کلامی به سر حد خود رسید و توسط علمایی مانند شیخ مفید، شیخ حر عاملی، علامه مجلسی، فیض کاشانی و امثال ایشان رحمة الله علیهم، احادیث جمع آوری شد.

پس این دوره نیز به کمال خود رسیده و تمام شد و ابر های بیشتری کنار رفت، تا اینکه طفل عالم به دست معلمینی افتاد که بنای تکمیل طریقت و حقیقت را گذاردند و بنای اصلاح آنچه از پیش خبط شده بود را گذاردند و بنای اظهار اسرار توحید و نبوت و امامت و ولایت اولیاء و عداوت اعداء را گذاردند و اسرار آل محمد علیهم السلام را تعلیم دادند. که البته بعضی از للگان و ددگان بجهت حب ریاسات، با معلمین بنای مخالفت گذارده و اطفال را از تعلیم ایشان منع کردند اما فایده ای نبخشید و معارف و علوم معلمین منتشر شد و این وبسایت نیز در همین راستا تلاش میکند تا این نور هر چه بیشتر منتشر شود.

لزين الدين أحمد نور علم

يضيء به القلوب المدلهمة

يريد الحاسدون ليطفئوه

ويأبى الله إلا أن يتمه

حال برای تابستان روز شماری میکنیم، تا آفتاب رخساره امام عصر (عج) از پس ابر بیرون بیاید و عالم را به نور عقل روشن کند. و آن وقت است که:

نور حق بنماید از صبح ازل

جلوه گر گردد خدای لم یزل

اللهم عجل لويك الفرج